

(زیمبابوه)، «تایمز آو زامبیا» Times of Zambia؛ و همچنین سه روزنامه آمریکای لاتین یعنی «اکسلسیور» Excelsior (مکزیکوسیستی)، «لاناسیون» La Nacion و «لاپرنسا» La Prensa (هر دو از بونوس آیرس) اخذ گردیده است. این روزنامه‌ها پر فروش‌ترین و یا در ردیف «معتبرترین» روزنامه‌ها در کشورهای مربوطه می‌باشند. هر یک از آنها در منطقه خود نیز جزء پرتیراژترین جراید هستند.

هر شش روزنامه اساساً قشر برگرزیده شهرنشین منطقه را تغذیه خبری می‌کنند و در مناطق روستایی بندرت خوانده می‌شوند یا اینکه اصلاً خواننده نمی‌شوند. به گفته «کوریان» KURIAN، این روزنامه‌ها برای خوانندگان محلی خبر تهیه می‌کنند نه برای خارجیها و در نتیجه بیشتر با مطبوعات مشهور غربی قابل مقایسه اند تا با رسانه‌های گروهی بین‌المللی نظیر «اینترناشنال هرالڈ تریبون».

منطقه واقع در حاشیه جنوبی صحرای آفریقا منطقه‌ای است که در اکثر تحقیقات پیشین مربوط به جریان اخبار مورد بی توجهی قرار گرفته است. علاوه بر این، جریانهای اخبار در این بخش از آفریقا بهترین نمونه برای آزمایش در مورد تعیین صحت یا سقم اتهام ساختگرایان مبنی بر نواستعماری بودن ارتباطات بین‌المللی می‌باشد. کشورهای این منطقه، به عنوان یک گروه، در گذشته نزدیک به استقلال رسیده‌اند. اگر الگوهای ارتباطی دوران استعمار همچنان تا امروز بجا مانده باشد، نشانه‌های آن قاعدتاً باید بیشتر در کشورهای واقع در حاشیه جنوبی صحرای آفریقا باقی باشد. همچنین، اگر صحت داشته باشد که قدرتهای استعماری کماکان جریانهای اخبار را در داخل و خارج مستعمرات پیشین خود کنترل می‌کنند (چنانکه فرضیه ساختگرایان تصریح می‌کند)، باز نشانه چنین گرایش باید بیشتر در گزارشهای خبری واصل از آفریقا یا در اخباری که در داخل این قاره گزارش می‌شود، به چشم بخورد.

در دوران قبل از استقلال، روزنامه‌های آفریقایی منتشره به زبانهای اروپایی در خدمت اهالی اروپایی نسب مستعمرات بود. به همین سبب، اگر روزنامه‌های محلی وجود داشته باشد که به گونه‌ای نواستعماری با نظم خبری موجود جهان پیوند داشته باشد، قاعدتاً باید همین دسته اخیر باشد. آن گونه اموری هم که ساختگرایان در پی اثباتش هستند (مثلاً پیوندی که به نظر گالتانگ میان علائق خبری نخبگان مرکز و نخبگان کشورهای وابسته وجود دارد) علی‌الاصول باید بیشتر در این نشریات خاص به چشم بخورد. از سوی دیگر، کشورهای آمریکای لاتین زودتر از سایر کشورهای جهان سوم به استقلال رسیده‌اند. منطقه جغرافیایی آمریکای لاتین نیز در تحقیقات پیشین مربوط به جریانهای اخبار مورد عنایت کافی قرار نگرفته است. نتیجتاً، تأکید روی این دو منطقه، علاوه بر بر کردن حلاء موجود در تحقیقات قبلی، نمونه‌هایی را ارائه می‌دهد که مبین تنوع تجربه استعماری در جهان سوم است.

نمونه‌ها

مقاله تحقیقی حاضر بر آن است که وضع گزارشهای خبری بین‌المللی را در روزنامه‌های مشهور آفریقا و آمریکای لاتین تشریح کند. نمونه‌ها به دو صورت طبقه بندی شده‌اند.

اولاً، بجای انتخاب تصادفی گزارشهای خبری - بدون توجه به شماره روزنامه‌ای که خبر در آن منتشر شده - عناوین خبری برحسب شماره روزنامه طبقه بندی گردیده است. ثانیاً، خود روزنامه‌ها به گونه‌ای طبقه بندی شده که از هیچ هفته‌ای دو شماره انتخاب نشده باشد. گرچه در تحقیق حاضر، گزارش خبری شاخص اصلی (یعنی واحد تحلیل) اخبار منتشره در جهان سوم است، مع ذلک واحدهای تحلیل نمونه برداری شده نشریات روزانه بوده‌اند.

وقتی یک شماره از روزنامه‌ای برحسب تصادف برای نمونه برداری انتخاب می‌شود، کلیه اخبار مربوط به رویدادهای جهان موجود در آن شماره بخصوص، طبقه بندی می‌گردد.

تحقیقات قبلی مربوط به جریان اخبار، به دلیل تمایل به پوشش خبری یک یا دو رویداد عمده، با مشکلاتی مواجه بوده است.

از آنجا که در تحقیقات پیشین فقط از نشریات یک هفته (یا حداکثر یک ماه) از سال نمونه برداری شده بود لذا بیشتر خبرها معمولاً به یک یا دو رویداد تکراری محدود می‌گردید. این واقعیت، اعتبار نتایج کلی مأخوذ از این قبیل نمونه‌ها را در معرض تردید قرار می‌دهد. تحقیق معروف شرآم Schramm در مورد رسانه‌های گروهی آسیا مبتنی بر نمونه‌ای است که خود وی به «منحصربه فرد بودن آن از برخی جهات» اذعان دارد. در نمونه مذکور، اخبار مربوط به یک سانحه هوایی، بخش اعظم اخبار بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین، نمونه مزبور نمی‌تواند چنان که باید و شاید معرف

جریان‌های جهانی اخبار وابستگی و استعمارنو

□ نوشته: ویلیام. ه. مهیر از دانشگاه Delaware

ترجمه: سیروس سعیدی

Comparative Political Studies,

Vol. 22 - No. 3 - October 1989.

منبع:

در عرض دهه گذشته، سیاستمداران غیرمتعهدی که هوادار ایجاد یک «نظم خبری نوین جهانی» بودند و همچنین نظریه پردازان ارتباطات ساختاری، نظیر «جان گالتانگ» John Galtung و «هربرت شیلر» Herbert Schiller بافت سیاسی ارتباطات در جهان سوم را مشخص کرده‌اند. هدف از تحقیق حاضر، سنجش اعتبار برخی اظهارات تشریحی و بحثهای تعلیلی است که در خلال این مناظرات سیاسی و مباحثات نظری مطرح شده است. نخستین سلسله از ادعاها که ماهیتی تشریحی دارد، براین پایه است که رسانه‌های گروهی جهان سوم به تقلید از «ارزشهای خبری» رسانه‌های گروهی غرب پرداخته‌اند. برخی دلیل این نزدیکی و تشابه را وابستگی کشورهای جهان سوم به تولیدات رسانه‌های گروهی غرب و نحوه پیروی رسانه‌های گروهی کشورهای غیرمتعهد از الگوی غرب در زمینه ایجاد پوشش خبری می‌دانند. باره‌ای ادعاهای دیگر که بیشتر ماهیتی تعلیلی دارند، وابستگی رسانه‌های گروهی را منشأ دیگری برای امپریالیسم فرهنگی (گالتانگ) و وسیله ایجاد حوزه‌های منطقه‌ای برای استیلای خبری (بیکر و شیلر) به شمار می‌آورند.

برخی ادعا کرده‌اند که گرایش وسایل ارتباط جمعی به بخش اخبار مربوط به رویدادهایی که فقط برای مستمعین غربی مآب جالب است (مثلاً حوادث خشونت‌بار) و اجتناب شدید آنها از طرح موضوعاتی که برای یک جامعه غیر غربی نهایت اهمیت را دارد (مثلاً توسعه)، مبین امپریالیسم فرهنگی می‌باشد. سرانجام اینکه گفته شده است وابستگی رسانه‌های گروهی، از الگوهای جغرافیایی اشکال قدیمی تر امپریالیسم پیروی می‌کند و لذا تردد اخبار در جهان با توجه به حوزه‌های سیادت آمریکاییها، فرانسویها و انگلیسی‌ها (یعنی اداره کنندگان بزرگ‌ترین موسسات خبری فراملی) تقسیم بندی شده است.

در بررسی حاضر، سه سؤال تحقیقی مطرح شده است: (۱) آیا رسانه‌های گروهی کشورهای غیرمتعهد از لحاظ اخبار بین‌المللی به غرب وابسته‌اند. و مطبوعات غیرمتعهد، از لحاظ الگوهای پوشش خبری، از رسانه‌های گروهی غرب تقلید می‌کنند؟ (۲) آیا رسانه‌های گروهی غربی و رسانه‌های گروهی غربزده، از لحاظ انتخاب موضوع، ویژگیهای امپریالیسم فرهنگی را دارند، بطوری که موضوعات غیرغربی باید از منابع دیگری فراهم شود؟ (۳) آیا تردد کلی اخبار بین‌المللی در جهان به حوزه‌های نفوذ نواستعماری تقسیم شده است؟

□ وابستگی رسانه‌های گروهی و الگوهای پوشش

خبری

اطلاعاتی که در این بررسی به کار رفته، از سه روزنامه انگلیسی زبان آفریقا یعنی «دیلی نیشن» Daily Nation (نایروبی، کنیا)، «هرالد» Herald

نمونه‌های مورد استفاده در این مقاله با چنین مشکلاتی مواجه نیستند زیرا به نحوی انتخاب شده‌اند که بیشتر معرف ماهیت مطبوعات در جهان سوم باشند. برای نیل به این هدف، نمونه‌ها از یک دوره زمانی شش ماهه انتخاب گردیده‌اند.

با گزینش تصادفی یک نمونه از میان کلیه شماره‌های روزنامه‌های موجود در یک چارچوب زمانی وسیع‌تر، می‌توان تصویر متوازن‌تر و دقیق‌تری از مطبوعات غیر متعهد ارائه داد. دقیق‌تر بودن تصویر مذکور از آن جهت است که صرفاً به یک یا دو رویداد عمده توجه نشان نمی‌دهد و نتیجتاً بهتر می‌تواند نماینده کل گزارشها باشد.

در مورد هر یک از گزارشهای موجود در نمونه منتخب، مشخصات زیر ثبت شده است: نام و تاریخ انتشار گزارش، خبرگزاری گزارش دهنده، کشور و منطقه تحت پوشش گزارش، موضوع گزارش، طول ستونها (بر حسب اینچ) و تعداد سطور گزارش، طول ستونها (بر حسب اینچ) و تعداد سطور خبرهای فوری اختصاص یافته، طول ستونها (بر حسب اینچ) و تعداد سطور خبری که به اخبار «توسعه» اختصاص داده شده است. اخبار فوری معمولاً به واقعیات خام مربوط به دیپلماسی، جنگها، بزهکاری، اغتشاشات و سوانح طبیعی اطلاق می‌گردد. اخبار «توسعه» صرفاً مربوط به نوسازی یا سایر اشکال توسعه نیست. در نوعی از روزنامه نگاری موسوم به روزنامه نگاری توسعه، سعی بر آن است که در کلیه گزارشهای خبری، بین یک «رویداد-اطلاعات» خام و طرحهای نوسازی اقتصادی یا سیاسی رابطه‌هایی ایجاد گردد. روزنامه نگاری توسعه به زمینه تاریخی و عواقب دراز مدت یک رویداد منفرد نیز توجه دارد.

تحلیل اطلاعاتی حاضر با توجه به سه موضوع پژوهشی زیر سازمان یافته است: وابستگی رسانه‌های گروهی و الگوهای پوشش خبری؛ تفاوت‌های موجود میان گزارش‌های خبری خبرگزاریهای بین‌المللی غربی (یعنی خبرگزاریهای فرانسه، آسوشیتدپرس، رویتر و یونایتد پرس اینترنشنال) و خبرگزاریهای غیر متعهد محلی و منطقه‌ای؛ و ساختار جریانهای بین‌المللی اخبار. نخست به ماهیت وابستگی رسانه‌های گروهی و الگوهای پوشش خبری می‌پردازیم.

وابستگی رسانه‌های گروهی

وابستگی رسانه‌های گروهی می‌تواند به طرق گوناگون بروز کند. نگارنده در تحقیق پیشین خود نشان داده است که کشورهای کمتر توسعه یافته از نظر رسانه‌های گروهی الکترونیکی عموماً به غرب وابسته نیستند. کشورهای در حال توسعه جهان سوم تقریباً دو سوم برنامه‌های تلویزیونی خود را از خارج وارد می‌کنند. با این وجود، کشورهای کمتر توسعه یافته از لحاظ برنامه‌های رادیویی، یعنی زمینه‌ای که به نظر عموم برای توسعه حایز بیشترین اهمیت است، تقریباً خود کفا هستند. برای ارزیابی میزان وابستگی رسانه‌های گروهی چابی بهتر است که ابتدا به مسئله منابع خبری گزارشهای بین‌المللی منتشره در روزنامه‌های جهان سوم بپردازیم. (به جدول ۱ مراجعه کنید).

جدول شماره (۱)، توزیع گزارش‌های خبری رسیده از خبرگزاریهای بین‌المللی (TNA) را منعکس می‌سازد. در صدها نشان می‌دهد که هر یک از خبرگزاریهای مذکور چه مقدار از مجموع گزارشهای خبری بین‌المللی (با منبع مشخص) را تأمین کرده است. اخباری که منبع آن قید نگردیده و همچنین اخباری که از منابع غیر از خبرگزاریهای بین‌المللی (۲۴ تا ۴۴٪ کل اخبار) در جدول ۱ منظور نشده است. به ردیفی که جمع ارقام را نشان می‌دهد، باید توجه خاصی مبذول داشت: ۵۷ تا ۷۶ درصد کل اخبار بین‌المللی روزنامه‌های ششگانه مورد بحث، از مجموع چهار خبرگزاری بین‌المللی غربی واصل گردیده است. اکنون می‌دانیم که این الگو در سایر نواحی جهان سوم نیز تکرار شده است زیرا این نتایج با رقم ۷۶ درصدی که «شرام» در مورد روزنامه‌های آسیایی به دست آورده، بسیار نزدیک است.

رقم ارائه شده از سوی شرام صرفاً برای تسهیل مقایسه در جدول (۱) ذکر گردیده است نمونه‌هایی که از سوی نگارنده آورده شده همچنین نشان می‌دهد

که مطبوعات آفریقا بیش از مطبوعات آمریکای لاتین به چهار خبرگزاری بزرگ (خبرگزاری فرانسه، آسوشیتدپرس، رویتر، یونایتدپرس اینترنشنال) وابسته‌اند. مطبوعات آمریکای لاتین از خبرگزاریهای خارج از منطقه خود، خصوصاً از خبرگزاری اسپانیایی EFE و خبرگزاری IPS که در اخبار مربوط به توسعه تخصص دارد، اخبار بیشتری دریافت می‌دارند.

به رقم مربوط به حجم کلی اخباری که رویتر برای آفریقا و آسوشیتدپرس و یونایتدپرس اینترنشنال برای آمریکای لاتین تدارک می‌کنند نیز باید توجه

جدول ۱- گزارشهای رسیده از خبرگزاریهای غربی به درصد

خبرگزاری	آفریقا		آمریکای لاتین (۱۹۸۵)	آسیا (۱۹۸۱)
	(۱۹۸۴)	(۱۹۸۵)		
خبرگزاری فرانسه	۲۳	۱۳	۱۱	
آسوشیتدپرس	۱۴	۱۹	۱۹	
رویتر	۳۶	۲۹	۴	
یونایتدپرس اینترنشنال	۳	۱	۲۲	
جمع کل	۷۶ (تعداد=۲۳۰)	۶۲ (تعداد=۱۸۴)	۵۶ (تعداد=۲۹۶)	۷۶

جدول ۲- درصد کل اخباری که به مسائل بین‌المللی اختصاص یافته است.

شماره	دلی نیشن		آفریقا				آمریکای لاتین		
	۱۹۸۴	۱۹۸۵	هرالد	تایمز	آکسپرس		لانسیون		لاپرتزا
					۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۵	
۱	۱۵	۳۳	۱۱	۲۱	۲۱	۳۷	۳۲	۶	۳۹
۲	۲۳	۲۴	۳۶	۲۷	۳۱	۴۵	۳۸	۲۵	۳۵
۳	۲۴	۲۳	۱۸	۳۴	۳۹	۵۲	۳۲	۲۲	۲۲
۴	۳۱	۲۸	۲۶	۲۶	۲۹	۲۶	۳۱	۲۷	۱۶
۵	۲۲	۴۳	۲۳	۳۳	۳۱	۳۱			
میانگین	۲۳	۳۰	۲۴	۳۱	۳۰	۳۹	۳۳	۲۹	۲۸

ویژه‌ای مبذول داشت. بیست و نه تا سی و شش درصد- بزرگترین گروه منفرد- از مجموع گزارشهای خبری مطبوعات کنیا، زامبیا و زیمبابوه در زمینه روابط بین‌المللی که منبع آنها ذکر شده، از خبرگزاری بریتانیا اخذ گردیده است. این نکته را هم باید به یاد داشت که کشورهای مزبور قبلاً مستعمره بریتانیا بوده‌اند. به همین ترتیب ۴۱٪ از اخبار جهانی مطبوعات آمریکای لاتین از دو خبرگزاری بین‌المللی آمریکایی آسوشیتدپرس و یونایتدپرس اینترنشنال تأمین شده است. البته، آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین همواره جزء «حوزه استعماری» ایالات متحده تلقی شده‌اند. اینها نکاتی اساسی است که بعداً، هنگام بررسی اینکه آیا جریانهای جهانی اخبار از الگوهای نواستعماری پیروی می‌کنند یا خیر، به تفصیل شرح داده خواهد شد.

گرچه جدول (۱) این ادعا را که کشورهای در حال توسعه، از لحاظ اخبار بین‌المللی، تا حد زیادی به خبرگزاریهای غربی وابسته‌اند، مورد تأیید قرار می‌دهد، مع ذلك نتیجه‌گیری مزبور به هیچ وجه قطعی نیست و حداکثر شاهدهی دال بر صحت نظر ساختارگرایان و «طرفداران نظم خبری نوین جهانی» می‌باشد. با این وجود، هر چند ارقام مربوط به فراوانی به خودی خود یک نتیجه قطعی به حساب نمی‌آید، ولی وجود آنها برای بهره‌برداری اولیه از اطلاعات گردآوری شده مفید است. ذکر ارقام مربوط به توزیع فراوانی نیز برای قابل مقایسه ساختن اطلاعات مربوط به آفریقا با اطلاعات مربوط به آمریکای لاتین و همچنین مطالبی که قبلاً توسط «شرام» و دیگران در مورد جریانهای اخبار نوشته شده، از اهمیت اساسی برخوردار است. زیرا- در نوشته‌های مذکور تعیین فراوانیها به عنوان یک روش مرجح مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، در عین آنکه آزمونهای «معنا»

و مقیاس‌های همبستگی برای ارزیابی اظهارات ساختارگرایان و هواداران «نظم خبری نوین جهانی» ضرورت دارد ولی برای توصیف چگونگی توزیع کلی موضوعات تحت پوشش مطبوعات بین‌المللی باید توجه خود را بیشتر به ارقام مربوط به توزیع فراوانی معطوف داریم.

الگوهای پوشش خبری

ادعای دیگر هواداران نظمی نوین و جهانی در زمینه ارتباطات و همچنین کسانی که از غرب انتقاد می‌کنند این است که مطبوعات بین‌المللی، از لحاظ کیفیت پوشش رویدادهای جهان، تدریجاً یکدست می‌شوند. ادعا شده که روزنامه‌ها در مناطق مختلف جهان سوم به یکدیگر شباهت دارند و از لحاظ موضوعاتی که تحت پوشش قرار می‌دهند، به روزنامه‌های معتبر غربی شبیه‌اند. اگر این ادعا واقعاً صحت داشته باشد، قاعدتاً باید بتوان، در این تحقیق و تحقیقات دیگر، وجوه تشابهی میان رسانه‌های گروهی آفریقا و آمریکای لاتین

جدول ۳ - مناطق تحت پوشش در مطبوعات جهان سوم

(درصد)

منطقه	آفریقا		آسیا (۱۹۸۱)	آمریکای لاتین (۱۹۸۵)
	(۱۹۸۴)	(۱۹۸۵)		
آفریقا	۴۷	۴۱		۱
آسیا	۸	۱۳		۶
آمریکای لاتین	۳	۴		۴۲
خاورمیانه	۸	۷		۳
ایالات متحده	۹	۷		۲۰
شوروی / اروپای شرقی	۲	۴		۶
اروپای غربی	۲۱	۲۱		۲۲
سایر مناطق	۲	۳		۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰		۱۰۰
	(تعداد = ۴۲۰)	(تعداد = ۴۷۰)		(تعداد = ۷۰۶)
جهان سوم	۳۹	۳۹	۲۴	۳۴
جهان سوم و سایر مناطق	۲۹	۲۶	۲۴	۳۲
غیر از جهان سوم	۳۲	۳۵	۵۱	۳۴
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	(تعداد = ۴۲۰)	(تعداد = ۴۷۰)	(تعداد = ۹۲۰)	(تعداد = ۷۰۶)

● ۵۶ تا ۷۶ درصد از گزارش های خبری بین المللی منتشره در مطبوعات آفریقا و امریکای لاتین از خبرگزاری های بین المللی سرچشمه می گیرد و این حاکی از اتکای مداوم به خبرگزاری های غربی است.

● کلیه شواهد حاکی از آن است که روزنامه های جهان سوم در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین از حیث توجه خاصی که به برخی از مناطق و کشورها نشان می دهند، از روزنامه ها و خبرگزاری های غرب پیروی می کنند.

● اطلاعات موجود بخوبی نشان می دهد که ساختار ارتباطات بین المللی يك جریان عمودی است. جریانهای جهانی اخبار، دست کم از دو نظر استعماری است. نخست اینکه سه مستعمره پیشین انگلستان بیشترین بخش (تقریباً یک سوم) اخبار بین المللی خود را از خبرگزاری انگلستان اخذ می کنند. به همین ترتیب از هر ده گزارش موجود در مطبوعات امریکای لاتین، چهار گزارش از دو خبرگزاری امریکایی گرفته می شود. نتیجتاً اخباری که به این دسته از کشورهای جهان سوم واصل می گردد، الگوی نسبتاً نواستعماری دارد.

جدول ۴ - اخبار بین المللی برحسب موضوع خبر

(درصد)

موضوع	آفریقا		آسیا (۱۹۸۱)	آمریکای لاتین (۱۹۸۵)
	(۱۹۸۴)	(۱۹۸۵)		
توسعه / اقتصاد	۱۶	۱۳	۱۹	۱۸
روابط سیاسی	۲۰	۱۵	۲۹	۱۴
سوانح	۴	۶	۷	۲
سیاست / دولت	۹	۹	۱۲	۹
علم و فرهنگ	۷	۱۲	۱۲	۱۵
ورزش	۱۷	۲۳	۱۲	۲۳
ناآرامی و جرایم	۱۸	۱۵	۷	۹
جنگ / امور نظامی	۹	۶	۵	۱۰
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	(تعداد = ۴۲۰)	(تعداد = ۴۷۰)	(تعداد = ۹۲۰)	(تعداد = ۷۰۶)

تذکر: ارقام مربوط به آسیا از تحقیق شرمام اخذ شده است.

جدول ۵ - موضوعات برحسب منبع

(درصد)

نمونه = آفریقا	رابط دیپلماتیک		جرایم و ناآرامی		جنگها و مسائل نظامی		سوانح		توسعه	
	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵
خبرگزاری فرانسه	۱۶	۱۱	۳۵	۲۱	۱۳	۱۸	۴	۵	۶	۰
آسوشیندپرس	۱۹	۱۴	۱۷	۲۸	۱۷	۲	۱۰	۹	۲	۵
رویتر	۲۷	۲۰	۱۹	۱۵	۱۴	۹	۴	۶	۲	۲
یونایتدپرس	۲۲	۰	۲۲	۵۰	۱۱	۰	۰	۰	۰	۰
محلی / منطقه ای	۲۰	۲۴	۱۶	۶	۱۲	۳	۸	۲۱	۲۰	۱۵
مخبر روزنامه	۲۹	۱۷	۴	۳	۲	۳	۰	۳	۲۷	۲۳
نمونه = امریکای لاتین	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۵
خبرگزاری فرانسه	۱۱	۱۱	۲۱	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰
آسوشیندپرس	۱۲	۱۲	۱۴	۷	۷	۵	۵	۵	۱	۱
رویتر	۲۱	۲۱	۱۰	۲۱	۲۱	۵	۵	۵	۱	۱
یونایتدپرس	۱۳	۱۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱	۱	۱	۱	۱
محلی / منطقه ای	۱۵	۱۵	۳	۷	۷	۸	۸	۸	۸	۸
مخبر روزنامه	۱۸	۱۸	۵	۱۳	۱۳	۰	۰	۰	۰	۰

سال ۱۹۸۰ خود در باره آسیا (۱۸ تا ۲۸٪) و «پینچ» Pinch در بررسی سال ۱۹۷۸ خویش در باره نیویورک تایمز، واشینگتن پست و لوس آنجلس تایمز ذکر کرده (۲۰ تا ۳۰٪)، نزدیک است. شایان توجه است که میانگینهای مربوط به آفریقا، در فاصله سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ افزایش پیدا کرده و این مبین علاقه فزاینده به امور بین المللی در آن دوره می باشد. میانگین پوشش اخبار بین المللی در مطبوعات سال ۱۹۸۵ امریکای لاتین، از میانگین پوشش اخبار بین المللی در روزنامه های سال ۱۹۸۴ آفریقا بیشتر می باشد ولی با میانگین پوشش اخبار بین المللی در روزنامه های سال ۱۹۸۵ آفریقا تقریباً برابری

یافت. باردیگر، تحقیق را با نظر اجمالی به سیمای ظاهری (فراوانی های) این روزنامه ها آغاز می کنیم.

نخستین سوالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا مطبوعات جهان سوم اخبار بین المللی را، از لحاظ اهمیت نسبی آنها، به گونه ای متفاوت از مطبوعات غرب برمی گزینند؟ جدول (۲) نشان می دهد که روزنامه های مذکور ۱۱ تا ۵۲٪ از اخبار خود را به گزارشهای مربوط به امور بین المللی اختصاص می دهند که پوشش متوسط آن برابر ۲۳ تا ۳۹٪ میباشد. ارقام مربوط به پوشش متوسط اخبار کشورهای منطقه نیز به ارقامی که «شرام» در تحقیق

باشد. علاوه بر این، وجود تشابه میان مطبوعات شمال و جنوب ممکن است معلول محدودیت تعداد گزارشهای خبری تحت پوشش باشد. ولی اگر چنانکه «گالتانگ» ادعا می کند، امپریالیسم ارتباطی مستقیماً به امپریالیسم فرهنگی منجر شود، در آن صورت، وجوه تشابه فوق الذکر دیگر تصادفی یا سطحی نبوده و اگر وابستگی رسانه های گروهی الزاماً یکی از علل امپریالیسم فرهنگی باشد، در آن صورت خبرگزاریها و روزنامه های جهان سوم به پیروی از سرمشق غرب گرایش نشان خواهند داد.

اما گزارشهای گرفته شده از خبرگزاری های غیر متعهد تا چه حد ارزشهای خبری خبرگزاریهای بین المللی غربی را منعکس می سازد؟ جدول (۵) در مورد هر یک از خبرگزاریهای بین المللی، ملی و یا منطقه ای (غیر متعهد) و همچنین اخبار گردآوری شده توسط خبرنگاران، اطلاعاتی به دست می دهد. اخبار مربوط به هر منبع بر حسب موضوع طبقه بندی شده است. همان طور که ملاحظه می شود، مقوله های مربوط به روابط دیپلماتیک، جنگ، جرایم و ناآرامی ها (مقوله های اخبار فوری) در صدر گزارشهای خبری خبرگزاریهای بین المللی قرار دارد. حال آنکه در اخبار خبرگزاریهای ملی / منطقه ای و همچنین محلی، اخبار «توسعه» به نحو چشمگیری در بالاترین رده قرار گرفته است.

جدول (۶) همین مسئله را به صورتی پیچیده تر مورد بررسی قرار داده است. هر ستون از جدول مذکور، بر حسب خبرگزاری منبع تقسیم بندی شده است. ردیف مربوط به اخبار فوری شامل کلیه گزارشهایی است که بدو تحت عناوین دیپلماسی، جرایم و ناآرامی، سیاست داخلی (سایر ملتها)، جنگ یا سوانح مشخص گردیده اند. گزارشهای «توسعه» گزارشهایی است که یا موضوع نوسازی ملی را مورد بحث قرار می دهد یا بیش از نیمی از آن به سبک روزنامه نگاری «توسعه» تنظیم شده است. ردیف «سایر گزارشها» بیشتر اخبار اجتماعی، فرهنگی، علمی و معدود گزارشهای بشر دوستانه را در بر می گیرد. اخبار ورزشی در این جدول به حساب نیامده زیرا آن را نمیتوان به طور مشخص جزو مقوله اخبار فوری و یا اخبار «توسعه» به شمار آورد.

تحلیل جداول متقاطع مربوط به خبرگزاریهای بین المللی و سایر منابع خبری نشان می دهد که از لحاظ آماری، بین گزارشهای منابع دوگانه فوق تفاوت چشمگیری وجود دارد. آزمونهای مجذور «کی» نشان می دهد که احتمال نبودن رابطه میان منبع خبر و موضوع خبر، در هر سه نمونه مورد بررسی، کمتر از ۰/۰۵ است. بررسی ها نشان می دهد که در آفریقا، شدت وابستگی میان خبرگزاری مخابره کننده و نوع گزارش، در طول زمان ثابت مانده ولی در آمریکای لاتین، این وابستگی ضعیف تر بوده است. گزارشهای خبرگزاریهای بین المللی بیشتر روی اخبار فوری متمرکز گردیده است، حال آنکه در گزارشهای اصل از خبرگزاریهای غیر متعهد به اخبار «توسعه» توجه بیشتری نشان داده شده است.

ولی در باره معدود گزارشهای «توسعه» که از خبرگزاریهای بین المللی رسیده است، چه می توان گفت؟ جدول (۷) میانگین مربوط به حجم گزارشهای «توسعه» واصل از خبرگزاریهای بین المللی و سایر خبرگزاریها را با یکدیگر مقایسه می کند.

خبرگزاریهای غیر متعهد در گزارشهای خود بیشتر به اخبار «توسعه» می پردازند (به جدول ۶ نگاه کنید) و گزارشهای آنان نیز مفصل تر است (به جدول ۷ مراجعه کنید).

نسبتهای F - برای آزمونهای تحلیل «واریانس» که مقادیر میانگین گزارشهای «توسعه» مأخوذ از منابع خبری دوگانه اخیر الذکر را به مقایسه می گذارد، نشان می دهد که از لحاظ آماری، چه از نظر کل ستون - اینج و چه از نظر تعداد کل سطور، تفاوت قابل ملاحظه ای، در سطح کمتر از ۰/۰۱ در هر سه دسته از نمونه ها وجود دارد. مقالاتی که خبرگزاریهای غیر متعهد منبع خبری آنها بوده اند، نه تنها بیش از مقالات مأخوذ از خبرگزاریهای بین المللی به اخبار «توسعه» توجه نشان می دهند بلکه در گزارشهای آنها مسئله توسعه با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار می گیرد.

چنین به نظر می رسد که وابستگی رسانه های گروهی موجد امپریالیسم فرهنگی به معنی اتخاذ کامل ارزشهای خبری خبرگزاری های غرب توسط خبرگزاریهای غیر متعهد نگردیده است. در واقع، بسیاری از ناشران جهان سوم با مشاهده فقدان خبرنگاری «توسعه» در خبرگزاریهای غربی، راساً اقدامات متعددی در زمینه ایجاد این نوع خبرنگاری به عمل آورده اند. این گرایش را می توان نوعی واکنش در برابر ارزشهای خبری غرب دانست.

هنگامی که به مناطق تحت پوشش مطبوعات کشورهای «جنوب» نظر می افکنیم (جدول ۳)، مجدداً به نتایجی می رسیم که به نتیجه گیریهای «شرام» در مورد مطبوعات آسیا شباهت دارد. مطبوعات آفریقا و آمریکای لاتین ۴۱ تا ۴۷٪ کل اخبار بین المللی خود را به منطقه خویش اختصاص می دهند؛ مطبوعات هر دو منطقه، نظیر مطبوعات آسیا، تقریباً ۶٪ تا ۸٪ اخبار بین المللی خود (معادل ۴۸ تا ۶۸ درصد) را به اخباری اختصاص می دهند که لااقل به یک کشور جهان سوم مربوط می شود. همان طور که «شرام» می گوید، این نتایج با چگونگی پوشش خبری خبرگزاریهای بزرگ چهارگانه ارتباط نزدیک دارد. بنابراین، کلیه شواهد حاکی از آن است که روزنامه های جهان سوم در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، از حیث توجه خاصی که به برخی از مناطق و کشورها نشان می دهند، از روزنامه ها و خبرگزاریهای غرب پیروی می کنند.

جدول ۴ توزیع اخبار را بر حسب موضوع آنها نشان می دهد. در اینجا نیز میان مطبوعات آفریقا و آمریکای لاتین با مطبوعات آسیا و ایالات متحده وجوه تشابه چشمگیری وجود دارد. در نمونه های مطبوعات آفریقا و آمریکای لاتین، سیزده تا هجده درصد از کلیه گزارشها به اقتصاد و توسعه اختصاص یافته است. روزنامه های آسیا ۱۹٪ و روزنامه های ایالات متحده ۱۴ تا ۲۵٪ گزارشهای خود را به زمینه های فوق اختصاص داده اند.

یک وجه تشابه دیگر اینکه، موضوع ۹ تا ۱۸٪ از گزارشهای موجود در نمونه های گردآوری شده توسط نگارنده به جرایم و ناآرامی ها (نمونه فرداعلای گزارش اخبار فوری) مربوط می شود و این با نتایجی که «شرام» (۷٪ در آسیا) و «پینچ» (۱۷٪ در ایالات متحده) به دست آورده اند، تقریباً برابری می کند. «شرام» و «پینچ»، با توجه به این قبیل نتایج، اظهار داشته اند که از نظر پوشش اخبار «توسعه» (در مقایسه با سایر اخبار) بین روزنامه های غربی و روزنامه های جهان سوم، تفاوت قابل توجهی وجود ندارد. از نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات قبلی در زمینه جریان اخبار، چنین برمی آید که روزنامه های آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و غرب، از لحاظ درصد اخباری که به کشورهای منطقه خود اختصاص داده اند و همچنین از حیث مناطق تحت پوشش، به یکدیگر نزدیکند. این نتایج را بسیاری از محققینی که معتقدند بطور کلی بین روزنامه های جهان سوم و روزنامه های غرب تفاوت اندکی وجود دارد، می پذیرند. نتایجی که نگارنده به آنها دست یافته است، ضمن تأیید این ادعا که روزنامه های جهان سوم اخبار توسعه را همانند روزنامه های غربی مورد توجه قرار می دهند، نشان می دهد که از لحاظ نحوه تهیه گزارشها، تفاوت چشمگیری بین خبرگزاریهای غربی و خبرگزاریهای جهان سوم وجود دارد.

وابستگی رسانه های گروهی و امپریالیسم فرهنگی

شواهد موجود در مناطق مختلف جهان سوم حاکی از آن است که کشورهای کمتر توسعه یافته، از لحاظ اخبار بین المللی، شدیداً به غرب وابسته اند. اگر نمونه های مورد بحث، شاخصهای دقیقی باشد، می توان چنین نتیجه گرفت که ارزشهای خبری غربی بر رسانه های گروهی کشورهای «جنوب» چیره شده است. به گفته «استیونسون» Stevenson و «کول» Cole، «خبرگزاریهای غربی... برنامه کار رسانه های گروهی (جهان سوم) را تعیین می کنند، زیرا این رسانه ها از نظر انتخاب موضوعات تحت پوشش خود، زیر نفوذ خبرگزاریهای غربی اند». خبرگزاریهای بین المللی غرب، هنگام گزارش اخبار کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، بدون استثنا توجه خود را روی بحر آنها، پرخوردهای مسلحانه و جرایم متمرکز می سازند.

جداول (۲) تا (۴) نشان می دهند که روزنامه های آفریقا و آمریکای لاتین واقعا این روش رسانه های گروهی غرب را منعکس می کنند. اگر اتکای خبری به غرب به حدی برسد که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان رسانه های گروهی در کشورهای «جنوب» همانند همپایان غربی خود ببینند، در آن صورت نوعی امپریالیسم فرهنگی به وجود خواهد آمد.

اگر وابستگی رسانه های گروهی به امپریالیسم فرهنگی منجر گردد و سیل اخباری که توسط رسانه های گروهی غرب به سوی کشورهای جنوب سرازیر می شود موجب تحمیل ارزشهای خبری بیگانه به ملل مزبور گردد، در آن صورت، گردانندگان رسانه های گروهی کشورهای جنوب نه فقط اخباری مشابه اخبار مطبوعات غربی را تحت پوشش قرار می دهند، بلکه از رویدادهای بین المللی نیز درک مشابهی داشته و دنیا را از «چشم غربها» خواهند دید. اگر چنین باشد، قاعدتاً این توقع به وجود خواهد آمد که خبرگزاریهای جهان سوم در کار خود همان اولویتهای خبرگزاری های بین المللی را قایل شوند.

به عبارت دیگر، وجوه تشابهی که در این مقاله از لحاظ پوشش خبری میان بسیاری از مناطق جهان ترسیم گردید ممکن است ناشی از کمیّت تصادفی

خبرگزاریهای بین المللی
(TNN)

محل - منطقه ای	٪	٪
آفریقا (۱۹۸۴)	۵۷٪	۸۵٪
	۲۴٪	۵٪
	۱۹٪	۱۰٪
جمع کل	۱۰۰٪ (تعداد = ۷۲)	۱۰۰٪ (تعداد = ۲۲۹)

مجذور «کی» = ۲۹/۷۲: معتبر در سطح کمتر از ۰/۰۰۱
۷ کرامر = ۰/۲۲

محل - منطقه ای	٪	٪
آفریقا (۱۹۸۵)	۵۵٪	۷۳٪
	۲۰٪	۳٪
	۲۵٪	۲۴٪
جمع کل	۱۰۰٪ (تعداد = ۹۹)	۱۰۰٪ (تعداد = ۱۸۴)

مجذور «کی» = ۲۵/۵۳: معتبر در سطح کمتر از ۰/۰۰۱
۷ کرامر = ۰/۲۱

محل - منطقه ای	٪	٪
آفریقا (۱۹۸۵)	۵۵٪	۵۹٪
	۵٪	۱٪
	۴۰٪	۴۰٪
جمع کل	۱۰۰٪ (تعداد = ۲۹۰)	۱۰۰٪ (تعداد = ۲۹۵)

مجذور «کی» = ۷/۵۷: معتبر در سطح ۲٪
۷ کرامر = ۰/۸
D.F. = ۲

جدول ۷- مقادیر میانگین طول گزارشهای «توسعه» - تحلیل واریانس

مقادیر	تحلیل واریانس	مقادیر	تحلیل واریانس
آفریقا (۱۹۸۴)	مقادیر	تحلیل واریانس	مقادیر
جمع سطور	۳/۳۸	۲۵/۳۹	بین ۱
جمع برحسب اینج	۰/۴۳	۴/۶۵	درون ۳۰۰
آفریقا (۱۹۸۵)	مقادیر	تحلیل واریانس	مقادیر
جمع سطور	۲/۷۰	۱۱/۲۰	بین ۱
جمع برحسب اینج	۰/۵۳	۱/۸۰	درون ۳۲۳
آمریکای لاتین (۱۹۸۵)	مقادیر	تحلیل واریانس	مقادیر
جمع سطور	۲/۸۰	۱۶/۶۰	بین ۱
جمع برحسب اینج	۰/۴۱	۲/۳۰	درون ۶۱۹

D.F. = نسبت - F اعتبار
۳۱/۴۱ ۰/۰۰۰*
۲۷/۲۸ ۰/۰۰۰*
۱۳/۱۰ ۰/۰۰۰*
۱۳/۳۷ ۰/۰۰۰*
۱۳/۶۵ ۰/۰۰۰*

* = معتبر در سطح کمتر از ۰/۰۰۱

امپریالیسم نو در جریانهای جهانی اخبار

آخرین موضوعی که در این تحقیق به آن پرداخته می شود، مسئله ای است که از دید نظریه ارتباطات ساختاری حایز نهایت اهمیت است. وابستگی رسانه های گروهی، به طوری که ادعا شده، به صورت یک ساختار نواستعماری جریان اخبار درآمده است. خبرگزاریهای بزرگ چهارگانه بخش اعظم اخبار را تحت کنترل خود دارند و این به امریکاییها، انگلیسی ها و فرانسوی ها اجازه می دهد که حوزه های نفوذ خبری خاص خود را شکل دهند. علاوه بر این، بارها ادعا شده است که ارتباطات بین المللی بهترین نمونه ساختار کلی نواستعماری امور بین المللی هستند. اگر دلیل واضحی برای اثبات وجود ساختار امپریالیستی ارتباطات پیدا شود، ادعای «گالتانگ» و دیگران مبنی بر اینکه روابط کشورهای شمال - جنوب کلاً ساختار فئودالی دارد، مورد تأیید قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، اگر نظریه ساختاری ارتباطات نادرست از کار درآید، کل نظریه ساختاری شدیداً متزلزل خواهد شد.

ازمایش نظریه های ساختاری روابط بین المللی خود به صورت یک موضوع بحث برانگیز درآمده است. نظریه پردازان مکتب وابستگی و ساختارگرایی ادعا کرده اند که توانایی نسبی نظریات ایشان در ایجاد اشکال جدید اقدام سیاسی (گالتانگ) و تشکیلات اجتماعی - اقتصادی (کاردوزو و Cordoso و فالتو Faletto) مبین درستی آنهاست. «کاردوزو» و «فالتو» اقداماتی را که قبلاً برای آزمایش تجربی صورت گرفته، تقبیح کرده و آنها را تلاش برای کمی کردن آنچه ذاتاً غیر کمی است، نامیده اند.

پژوهشهای کمی ارزشمند در مورد جریانهای بین المللی اطلاعات معدود و پراکنده است. آن عده از پژوهشگران ارتباط جمعی که مدعی آزمایش نظریه ساختارگرایی اند، در تحلیلهای خود مهارت چندانی به خرج نداده و قبل از تلاش برای «رد» ادعاهای ساختارگرایان، گرایش آشکاری به ساده سازی بیش از حد این ادعاها نشان داده اند.

به اعتقاد «هینز» Haynes تذکر این واقعیت که مطبوعات آمریکای لاتین در باره سایر مناطق جهان سوم خبر درج می کنند (یعنی اینکه بین کشورهای «پیرامون» نوعی واکنش متقابل وجود دارد)، می تواند بطلان اندیشه ساختارگرایان را به اثبات برساند. به نظر «هینز»، هرنوع ارتباط (افقی) میان کشورهای «پیرامون» ادعای «گالتانگ» را مبنی بر اینکه جریانهای نواستعماری اخبار همواره یک ساختار (عمودی) از «مرکز» به «پیرامون» دارند، بی اعتبار می سازد. به هر حال انسان نمی تواند با یک چنین دلیل ضعیفی با ادعاهای ساختارگرایان به مقابله برخیزد.

آنچه «گالتانگ» سعی در تفهیم آن دارد، این است که جریانهایی که بین دو ناحیه پیرامون برقرار است، طبیعتاً باید از «مرکز» بگذرد و مرکز به عنوان واسطه بخشهای اقتصادی «پیرامون» عمل می کند (و از این معامله سود خوبی می برد). اگر اخبار مستعمرات پیشین انگلیس از طریق خبرگزاری انگلیسی رویتر به آفریقا و آمریکای جنوبی واصل شود و رویدادهای مستعمرات سابق فرانسه بدو توسط خبرگزاری فرانسه گزارش گردد و اخبار داخلی حوزه نفوذ ایالات متحده عمدتاً از طریق آسوشیئتد پرس و یونایتد پرس برسند، در آن صورت شواهد نیرومندی برای تأیید وجود الگوهای فئودالی فعل و انفعالی (عمودی) به صورت «از پیرامون به مرکز به پیرامون» به دست خواهد آمد.

این ساختارها با نتایجی که «هینز» بدانها دست یافته هماهنگی دارد، گرچه برای تأیید نظر «گالتانگ» نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر، هیچ دلیلی وجود ندارد که مثل هواداران «نظم خبری نوین جهانی»، برای نظریات ساختارگرایان صحت مقدم بر تجربه قائل شویم؛ و هیچ دلیلی وجود ندارد که نظریه ساختارگرایی را از آزمایشهای لازم برای تأیید تجربی و ارزیابی انتقادی معاف سازیم. نتیجتاً، در عین آنکه ممکن است ساختارگرایی به ناحق مورد بی اعتنائی قرار گرفته و در نوشته های اصلی مربوط به روابط بین الملل به درستی درک نشده باشد، برداشتن گامهای جدید در جهت آزمایش تجربی این مکتب فکری همچنان ضرورت دارد.

طبق نظریه ساختارگرایی، در وسیعترین معنای آن، شرکتیهای چند ملیتی انگلیسی هنوز بر اقتصاد سیاسی مستعمرات پیشین بریتانیا سلطه دارند. شرکتیهای چند ملیتی فرانسوی نیز در مستعمرات سابق فرانسه از موقعیت مشابهی برخوردارند و شرکتیهای چند ملیتی آمریکایی بر مناطقی که از نظر تاریخی تحت سیادت ایالات متحده قرار داشته، مسلط می باشند چند ملیتی های صنعت اخبار، یعنی خبرگزاریهای بین المللی، به عنوان نمونه های روشن این واقعیت ذکر می شوند. جداول ۸ و ۹، اطلاعات حاصل از بررسیهای جریان اخبار را در ارتباط با ادعاهای فوق به دست می دهند.

بسط ساده اطلاعات پیشین نشان می دهد (به جدول ۸) نگاه کنید) که در

آمریکای لاتین ۱۹۸۵	آفریقا		تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	قدرت استعماری
	۱۹۸۵	۱۹۸۴				
۴	۱۴	۸	۲۴	۱۲	۴۸	فرانسه
۸	۲۸	۷۶	۲۲۷	۵۶	۲۳۶	انگلستان
۸۵	۳۰۱	۶	۱۹	۱۲	۵۰	ایالات متحده
۲	۶	۳	۱۰	۸	۳۳	پیش ازین قدرت استعماری
۱	۴	۳	۱۰	۷	۳۰	اروپای غربی (غیرفرانسه و انگلیس)
۵	۲	۳	۹	۵	۲۳	سایر قدرتها و یا هیچ قدرت

جدول ۹ - جریانهای اخبار درمقایسه با سلطه استعماری قدرت استعماری در ارتباط با کشور یا منطقه مورد بحث در گزارش

خبرگزاری	ایالات متحده	انگلستان	فرانسه	سایر قدرتها
ایالات متحده	٪۷۱	٪۲۹	٪۲۵	٪۲۶
انگلستان	٪۱۲	٪۴۸	٪۳۱	٪۳۵
فرانسه	٪۱۷	٪۲۳	٪۴۴	٪۳۹

جمع (تعداد = ۱۳۴) ٪۱۰۰ (تعداد = ۲۰۵) ٪۱۰۰ (تعداد = ۵۴) ٪۱۰۰ (تعداد = ۳۱) ٪۱۰۰
 مجذورکی = ۸۴/۹۶؛ معتبر در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ = ۷/۰۰۱ کرامر = ۰/۳۲
 D.F. = 6

خبرگزاریهای بین المللی به منابع خبری دیگری نیز دسترسی دارند. متأسفانه چنین به نظر می رسد که روزنامه های جهان سوم، از لحاظ اخبار فوری و پوشش خبری دقیقه به دقیقه مربوط به بیشتر مناطق جهان، شدیداً به خبرگزاریهای بین المللی وابسته اند. ناشران این روزنامه ها به خاطر وابستگی به گزارش های خبری خبرگزاریهای بین المللی، در وضع نامساعدی قرار دارند و تحقیق حاضر نشان می دهد که گزارشهای واصل از خبرگزاریهای بزرگ چهارگانه، از نظر روزنامه نگاران و رهبران سیاسی کشورهای در حال توسعه کیفیت مطلوبی ندارد.

در ارتباط با سؤال آخر، اطلاعات موجود بخوبی نشان می دهد که ساختار ارتباطات بین المللی يك جریان عمودی است. جریانهای جهانی اخبار، دست کم از دو نظر نواستعماری است. نخست اینکه سه مستعمره پیشین انگلستان بیشترین بخش (تقریباً يك سوم) اخبار بین المللی خود را از خبرگزاری انگلستان اخذ می کنند. به همین ترتیب، از هر ده گزارش موجود در مطبوعات آمریکای لاتین چهار گزارش از دو خبرگزاری آمریکایی گرفته می شود. نتیجتاً، اخباری که به این دسته از کشورهای جهان سوم واصل می گردد، الگوی نسبتاً نواستعماری دارد. دوم اینکه، از لحاظ اخباری که از کشورهای کمتر توسعه یافته به بیرون جریان دارد، شواهد حاکی از واکنشهای متقابل است که ماهیت نواستعماری آنها بیشتر می باشد. در هر کشور جهان سوم، بین قدرت استعماری که قبلاً بر آن سلطه داشته و خبرگزاری غربی که در حال حاضر اخبار آن کشور را گردآوری می کند، رابطه نزدیکی وجود دارد. تقریباً ۷۰٪ اخبار مربوط به حوزه نفوذ آمریکا، ۵۰٪ اخبار حوزه نفوذ بریتانیا و ۴۵٪ اخبار مناطقی که قبلاً در قلمرو حاکمیت فرانسه قرار داشته اند، توسط خبرگزاریهای بین المللی وابسته به قدرتهای یاد شده به مطبوعات کشورهای در حال توسعه (که در اینجا بررسی گردیدند) داده شده است.

ساختار نواستعماری جریانهای اخبار اساساً به «الگوهای واکنش متقابل فنودالی» که «گالتانگ» و دیگران توصیف کرده اند، شباهت دارد. جریانهای عمودی «پیرامون به مرکز و مرکز به پیرامون» در هر يك از حوزه های استعماری مشهود است. از سوی دیگر، مطالعات مربوطه نشان داده است که آثاری که به ادعای ساختارگرایان می بایست بر این سلطه استعماری مترتب گردد، پدید نیامده است. ادعا شده که ساختار نواستعماری، فرهنگهای بومی را نابود می کند و بر بی ثباتی کشورهای کمتر توسعه یافته می افزاید. تحقیقات پیشین نشان داده است که در جهان سوم، بین رسانه های گروهی غربی و سلطه فرهنگی رابطه ای وجود ندارد. علاوه بر این، جریان آزاد رسانه های گروهی در داخل و یا به داخل کشورهای در حال توسعه، با ثبات سیاسی آن کشورها ارتباط پیدا می کند. نه با ناآرامی فزاینده داخلی آنها.

گزارشهای بین المللی روزنامه های مهم سه مستعمره پیشین انگلیس (کنیا، زامبیا، زیمبابوه)، از نظر مناطق تحت پوشش، يك دوم تا سه چهارم (یعنی ۵۶ الی ۷۶٪) از اخبار، به کشورها و مناطقی اختصاص یافته که قبلاً تحت کنترل استعماری انگلیس بوده اند. در آمریکای لاتین که معمولاً بخشی از حوزه نفوذ ایالات متحده تلقی می گردد، ۸۵٪ از کل اخبار بین المللی به آن منطقه یا دیگر مناطق تحت سلطه امریکا اختصاص یافته است. با این وجود، واقعیات فوق الزامه بین حوزه های نو استعماری «نفوذ خبری» نیست. این دولتها ممکن است به خاطر منافع و مسائل مشترک توجه بیشتری به یکدیگر نشان دهند (قطع نظر از این واقعیت که بیشتر همسایگان مستقیم آنها گذشته استعماری مشابهی داشته اند).

جدول (۹) اطلاعاتی ارائه می کند که ارتباط بیشتری با این مسئله دارد. هر قدره خبر برحسب حکومت استعماری قبلی و یا منطقه مورد بحث گزارش، طبقه بندی شده است. هر گزارش خبری، در صورت لزوم براساس ملیت خبرگزاری بین المللی مخابره کننده گزارش نیز طبقه بندی گردیده است. بدین ترتیب، رابطه میان قدرت استعماری پیشین ناحیه با ملیت خبرگزاری بین المللی گزارش دهنده از آن منطقه، سنجیده شده است.

این حقیقت دارد که آمریکای لاتین و آفریقا درباره کشورهای کمتر توسعه یافته خارج از منطقه خود اخبار زیادی منتشر می کنند، با این وجود، جدول (۹) نشان می دهد که جریانهای مذکور آشکارا يك ساختار عمودی دارند. هفتاد و يك درصد از کلیه اخبار مربوط به مناطقی که تحت سلطه ایالات متحده قرار داشته یا دارند، از طریق آسوشیتد پرس و یونایتد پرس به کشورهای «جنوب» واصل می گردد. این الگو در مناطقی که از نظر تاریخی تحت سلطه انگلستان یا فرانسه بوده اند نیز صادق است. در شش روزنامه ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند، تقریباً نیمی (۴۸٪) از گزارشهای خبری مربوط به مناطقی که قبلاً جزو امپراطوری عظیم بریتانیا بوده اند، توسط رویتر مخابره شده است. در قلمرو استعماری فرانسه نیز رقم مشابهی (۴۴٪) به چشم می خورد. بنابراین وقتی که به آنچه در پس ظاهر مطبوعات جهان سوم نهفته است می نگریم، هنگامی که به عمق این واقعیت که چه مناطقی تحت پوشش قرار گرفته اند نظر می افکنیم و منابع اخبار بین المللی را با جغرافیای سیاسی استعمار مقایسه می کنیم، به عمودی بودن جریان اخباری که رسانه های گروهی جهان در حال توسعه را تغذیه می کند، پی می بریم.

نتیجه گیری

پنجاه و شش تا هفتاد و شش درصد از گزارشهای خبری بین المللی منتشره در مطبوعات آفریقا و آمریکای لاتین از خبرگزاریهای بین المللی سرچشمه می گیرد و این حاکی از اتکالی مداوم به خبرگزاریهای غربی است. علاوه بر این، روزنامه های جهان سوم، از نظر نواحی جغرافیایی و موضوعات تحت پوشش خود، چه با یکدیگر و چه با روزنامه های «معتبر» ایالات متحده، کلاً وجوه تشابه فراوانی دارند. این یافته ها با نتایج مطالعاتی که قبلاً در جریانهای اخبار صورت گرفته، سازگاری دارد و از وابستگی رسانه های گروهی و تقلید ارزشهای خبری غرب از جانب روزنامه های عمده در کشورهای جنوب حکایت می کند.

تحلیل مقایسه ای خبرگزاریهای غربی و خبرگزاریهای غیرمتمدن نشان می دهد که گزارشهای واصل از خبرگزاریهای بین المللی بیشتر روی اخبار فوری مربوط به دیپلماسی، اغتشاشات، جرایم و سوانح متمرکز می باشد. خبرگزاریهای غیرمتمدن محلی یا منطقه ای به اخبار «توسعه» توجه بیشتری نشان می دهند. خصوصاً گزارشهای «توسعه» خبرگزاریهای غیرمتمدن عمیقتر از گزارشهای مشابه واصل از خبرگزاریهای بین المللی است. نتیجتاً، خبرگزاریهای محلی و منطقه ای برای ناشران جهان سوم اطلاعات مفیدی فراهم می کنند که از این نظر با اطلاعات ارائه شده از سوی خبرگزاریهای بزرگ چهارگانه متفاوت است. ناشران جهان سوم اگر در صد تهیه گزارشهای «توسعه» برآیند، متوجه خواهند شد که این نوع گزارشها را نمی توانند از خبرگزاریهای بین المللی کسب کنند و باید به سراغ خبرگزاریهای ملی یا منطقه ای و یا گزارشگران ویژه خود بروند. این تصور که «يك کشور جهان سوم به اخبار توسعه کشور دیگری در جهان سوم علاقه ندارد»، اشتباه است.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر مؤید نکته ای است که «استیونسن» مطرح ساخته است: روزنامه های جهان سوم جز خبرگزاریهای بین المللی، منابع خبری دیگری نیز دارند. خبرگزاریهای غربی (بر خلاف اعتقاد ساختارگرایان افراطی)، کنترل اخبار واصل به روزنامه های کشورهای جنوب را در دست ندارند. با این وجود، همان طور که «شرام» متوجه شده است، از لحاظ پوششهای خبری و یا انواع گوناگون پوشش خبری «کمبود آشکاری» به چشم می خورد. این بدان معناست که رسانه های خبری کشورهای جهان سوم غیر از